

دوره دهم تقنيه

جلسه ۳۵

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

بالضمان متن قوانین

یکشنبه ۷ دی ۱۳۱۴

شماره مسلسل - ۷۱۲

قیمت اشتراك } سالبانه  
داخلة : ۲۰ ريال  
خارجه : ۱۰۰ ريال  
تک شماره : دو ريال

مطبعة مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یکشنبه ۷ دی ماه ۱۳۱۴ \*

## فهرست مطالب

- |   |   |
|---|---|
| ۱) تصویب صورت مجلس  | ۵) شور دوم و تصویب لایحه مربوطه به مؤسسات حمل و نقل                   |
| ۲) تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه                           | ۶) شورا اول خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع باصول محاکمات حقوقی و تجاری |
| ۳) تصویب لایحه اختیارات کمیسیون قوانین عدلیه                            | ۷) قرائت استعفا نامه آقای علی اکبر اسدی                               |
| ۴) تصویب مجازات اشخاصیکه بر خلاف نظامنامه دولت نسبت بابطالیا عمل میکنند | ۸) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه                                   |

(مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس شنبه ۲۹ آذر را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند \*

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

محتاج شده است که این ماده را تفسیر کنند مطابق فلسفه و روح قانون. چون عبارتش يك قدری مبهم است و محاکم هم در موارد جزائی يك قدری دقت می کنند. لذا محتاج به تفسیر شده ایم.

[ ۳ - تصویب لایحه اختیارات کمیسیون قوانین عدلیه ]  
رئیس - یکی از این لوایح فوری است و دیگری به کمیسیون خواهد رفت. لایحه راجع باختیارات کمیسیون عدلیه.

مجلس شورای ملی

نظر باین که مقتضی است بعضی از لوایح پیشنهادی وزارت عدلیه قبل از اینکه در مجلس شورای ملی طرح و تصویب گردد مطابق سوابق موجوده در کمیسیون قوانین عدلیه مطرح

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (گفته شد -

خیر) صورت مجلس تصویب شد، آقای وزیر عدلیه

[ ۲ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه ]

وزیر عدلیه (آقای صدر) - دو لایحه است تقدیم میکنم یکی

در فوریت اختیاراتی است برای کمیسیون عدلیه مجلس که

معمول و مقرر بوده است سابقاً. حالاً شش ماهه اول گذشته

است و کمیسیون تجدید شده است لذا با قید دو فوریت تقدیم

میکنم چون بعضی از مواد است که باید از کمیسیون بگذرد

لایحه دیگری است راجع به تفسیر ماده ۲۳۸ قانون جزا که

بواسطه اختلاف نظری که در محاکم پیدا شده است و دولت

\* عین مذاکرات مشروح سی و پنجمین جلسه از دوره دهم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\* \* \* اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائب با اجازه - آقای علیقلی - هدایت - فائین بی اجازه - آقایان : قزوینی - کاشف - عباس مسعودی - سبزواری - ملک مدنی - همراز - امین - دکتر قزل ابلاغ - گودرزی - متصم سنک - میرزائی  
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : منصف - دکتر سمعی - بیات - دکتر جوان - قنات.

و بعد از تصویب کمیسیون بموقع اجرا و آزمایش گذاشته شود تا پس از رفع نواقص ثانیاً به مجلس شورای ملی پیشنهاد گردد لذا ماده واحده ذیل راجع باختیارات کمیسیون فعلی قوانین عدلیه با قید دوفوریت پیشنهاد و تقاضای تصویب آن میشود.

**ماده واحده -** وزیر عدلیه مجاز است اوایح قانونی را که به مجلس شورای ملی پیشنهاد می نماید پس از تصویب کمیسیون فعلی قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید لواایح مزبوره در کمیسیون مطرح و پس از شور اول طبع و توزیع خواهد شد تا نمایندگان نظریات خود را در موضوع لایحه در ظرف هشت روز از تاریخ توزیع به کمیسیون بدهند و شور دوم بعد از انقضاء هشت روز بعمل آید

**رئیس** این لایحه سابقه دارد آقایانیکه با فوریت اول موافقت قیام فرمایند (جمعاً قیام نمودند) تصویب شد فوریت دوم مطرح است. آقایانیکه با فوریت دوم موافقت قیام فرمایند. (جمعاً قیام نمودند) تصویب شد. ماده واحده مطرح است. مخالفتی نیست. با اطلاع آقایان رسیده است. آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

**[۴- شور ثانی و تصویب مجازات اشخاصی که برخلاف نظامنامه دولت نسبت بایطالیا عمل می کنند]**

**رئیس -** شور دوم خیر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به مجازات اشخاصی که برخلاف دستور دولت نسبت بایطالیا عمل می کنند:

کمیسیون قوانین عدلیه برای شور دوم لایحه نمره ۲۷۱۷۳ دولت را که مربوط به تصمیمات متخذه از طرف کمیته تطبیق جامعه ملل در قضیه اختلاف بین دولتین ایتالیا و حبشه می باشد با حضور آقای وزیر عدلیه مطرح نموده بالتبقیه عین ماده واحده پیشنهادی را تصویب و اینک خبر آن را تقدیم مجلس شورای ملی مینماید.

**ماده واحده -** اشخاصی که برخلاف تصویب نامه

هیئت وزراء مورخه ۲۶ آبان ۱۳۱۴ نمره ۷۲۱۰ راجع به تصمیمات متخذه از طرف کمیته تطبیق جامعه ملل در قضیه اختلاف بین دولتین ایتالیا و حبشه رفتار نمایندیک ماه الی يك سال حبس تادیبی و یا هزار ریال الی بیست هزار ریال غرامت و یا بهر دو مجازات محکوم میشوند

**رئیس -** مذاکره در ماده واحده است. مخالفتی نیست؟ (اظهاری نشد) رای گرفته میشود ماده واحده آقایانیکه موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

**[هشور دوم و تصویب لایحه مربوطه به مؤسسات حمل و نقل]**

**رئیس -** شور دوم خیر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به مؤسسات حمل و نقل خبر کمیسیون قرائت می شود.

خبر از کمیسیون عدلیه

لایحه نمره ۲۶۴۳۰ دولت راجع بمؤسسات حمل و نقل و کاراژ های عمومی برای شور دوم در کمیسیون قوانین عدلیه مطرح و پیشنهاد آقای وثوق هم با حضور آقای وزیر عدلیه مورد شور و مذاقه واقع بالاخره خبر شور اول با اصلاحی تصویب و اینک راپورت آنرا برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم مینماید.

**ماده ۱ -** افتتاح مؤسسات حمل و نقل و کارخانه تعمیر و کاراژ های عمومی موقوف بواجب بودن شرایطی است که هیئت وزراء بموجب نظامنامه مخصوصی تعیین خواهد نمود.

**ماده ۲ -** هر يك از صاحبان مؤسسات حمل و نقل که پنج نوبت تخلف از مقررات نظامنامه مصوبه هیئت دولت بنماید و بسبب تخلف مزبور پنج نوبت به مجازات خ-لافي محکوم شود بحکم محکمه از يك الی سه سال از شغل مزبور ممنوع خواهد شد.

**رئیس -** مذاکره در لایحه است. رای گرفته میشود بمواد. ماده اول- آقایانیکه با ماده اول موافقت دارند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. با ماده دوم. آقایانیکه موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. مذاکره در کلیات ثانی است. آقای طهرانچی

**طهرانچی -** بنده می خواستم سؤال کرده باشم در ماده اول میگوید افتتاح مؤسسات حمل و نقل و تعمیر آبا مؤسساتی که فعلاً دائر هستند و قبلاً مفتوح شده اند آنها را هم لایحه شامل خواهد بود یا نه؟

**وزیر عدلیه -** البته مقصود این است که شامل آنها هم بشود. مقصود از افتتاح چه آنهایی است که هست و مفتوح شده اند یا آنهایی که بعداً بموجب این قانون مفتوح خواهد شد و دولت مفتوح شدنش را تصویب میکند. نکته دیگر: توضیحاً عرض میکنم که مقصود از کارخانه تعمیر اتومبیل است نه کارخانه دیگر و مطلق کار خانجات.

**رئیس -** رای گرفته میشود به مجموع مواد آقایانیکه موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

**[۶- شور اول خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع باصول محاکمات حقوقی و تجاری]**

**رئیس -** خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع باصول محاکمات حقوقی و تجاری مطرح است خبر کمیسیون کمیسیون قوانین عدلیه لایحه نمره ۲۷۱۷۵ وزارت عدلیه را که در تعقیب مواد اصول محاکمات حقوقی و تجاری به مجلس شورای ملی پیشنهاد شده است با حضور آقای وزیر عدلیه مطرح و تحت شور و مذاقه قرار داده پس از مذاکرات لازمه و توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه بیان نمودند بالاخره موادی پیشنهادی را بطریق ذیل اصلاح و اینک خبر آن را بمنوان خبر شور اول تقدیم مجلس شورای ملی مینماید

**رئیس -** چون لایحه طبع و توزیع شده است مذاکره در کلیات است. رای گرفته میشود بورد در مواد آقایانیکه موافقت دارند قیام فرمایند. (جمعاً قیام کردند) تصویب شد. ماده ۵۴

**باب چهارم - در وکلای متداعین**

**ماده ۵۴ -** در دعاوی که در محاکم عدلیه رسیدگی میشود متداعین میتوانند شخصاً یا بتوسط وکیل محاکمه کنند.

**رئیس -** آقای دبیا

**طباطبائی دبیا -** البته این مواد مربوط است بدعاوی حقوقی و در دعاوی جزائی وکیل قبول نمیکند چنانچه در قانون هم پیش بینی شده است که شخص طرف را احضار میکنند و رسیدگی میکنند این است که بنده عقیده ام این است که کلمه در حقوقی علاوه شود تا محل اشتباه نشود زیرا در محاکمات جزائی شخص را احضار میکنند بدون حضور وکیل.

**مخبر کمیسیون عدلیه -** اساساً اصول محاکمات جزائی قانون علیحده دارد. و ترتیب رسیدگی جزائی در اصول محاکمات جزائی مقرر و مصرح است. مقصود از این لایحه بطوری که در خود لایحه هم و در اول این قانون نوشته شده اصول محاکمات حقوقی است و مقصود دعاوی حقوقی است که متداعین می توانند خودشان یا توسط وکیل محاکمه کنند بنا بر این ذکر کلمه که فرمودید لزومی ندارد.

**رئیس -** ماده ۵۵ قرائت میشود.

**ماده ۵۵ -** وکلای متداعین باید دارای شرایطی باشند که بموجب قانون برای آنها مقرر است

**رئیس -** ماده ۵۶

**ماده ۵۶ -** وکالت باید بموجب سند رسمی یا تصدیق امین صالح یا حکومت یا شهربانی یا کلانتری یا کدخدای محل و یا یکی از ادارات رسمی که موکل در آنجا مستخدم و یا يك یا چند نفر از معتمدین محلی باشد مگر آنکه امضاء موکل معروف نزد محکمه بوده و صدور آن از موکل محل شبهه نباشد. در صورتیکه وکالت در خارج از ایران داده شده باشد باید به تصدیق یکی از مأمورین سیاسی یا قنسولی ایران رسیده باشد.

**رئیس -** ماده ۵۷

**ماده ۵۷ -** اگر وکالت در جلسه محاکم داده شود باید مراتب در صورت جلسه و با امضاء موکل برسد

**رئیس -** ماده ۵۸

**ماده ۵۸ -** وکالت در محاکم شامل تمام اختیارات راجعه

بامر محاکمه است جز آنچه را که موکل استثناء کرده لیکن در امور ذیل اختیار وکیل باید در وکالت نامه تصریح شود.

۱ - وکالت در استیناف ۲ - وکالت در تمیز ۳ - وکالت در محاکمه محکمه شرع ۴ - وکالت در مصالحه و تعیین وکیل اصلاح ۵ - وکالت در ادعای جعلیت نسبت بسند طرف و استرداد سند ۶ - وکالت در تعیین حائل ۷ وکالت در ارجاع دعوی بحکمت و تعیین حکم ۸ - وکالت در توکیل ۹ - وکالت در تعیین مصدق ۱۰ - وکالت در اقرار ( مقصود اقرار در ماهیت دعوی است به نحوی که قاطع دعوی باشد ) ۱۱ - وکالت در دعوی خسارت ۱۲ - وکالت در استرداد دعوی ۱۳ - وکالت در دعوی شخص ثالث و دفاع از دعوی ثالث ۱۴ - وکالت در دعوی متقابل و دفاع از دعوی مزبور.

رئیس - آقای دیبا

**طباطبائی دیبا** - بنده در قسمت دهم عرض داشتم راجع باقرار چون حقیقتاً اقرار از چیز هائی است که باید بمباشرت خود شخص مقرر صادر شود و چیزی نیست که وکالت بردار باشد قائم به نفس مقرر است و بنظر بنده این را نمیشود ذکر کرد و گفت کسی میتواند از طرف کس دیگر برود و اقرار کند بلکه اقرار يك چیزی است که خود آن شخص مقرر باید بنماید

رئیس - آقای عراقی

**عراقی** - بنده تصور میکنم قسمت دهم از مواردی است که باید در قانون باشد ولو اینکه اقرار را آقای دیبا میفرمایند که امری است قائم به نفس و وکیل بردار نیست ولی در اینجا اقرار بیان نتیجه عمل است و غیر از بیان نتیجه عمل چیز دیگری نیست. مثلاً بند اگر ملک کسی را داده باشم بکسی وکیل من بیان می کند که ایسن ملک داده شده پس وکیل نتیجه عمل من را گفته و این عمل هم وکالت بردار است. چرا؟ برای اینکه وکیل من میخواهد دعوی ختم شود و فصل پیدا کند پس بیان نتیجه عمل من را میکند میگوید موکل من این اختیار را داده است

و این دعوی این آدم صحیح است. این غیر از اقراری است که میفرمائید قائم بنفس است ولی این بیان نتیجه است و در اختیارات وکیل این اگر قید نشده باشد آنوقت حق ندارد و باید نوشته شود تا وکیل بتواند دعوی را فیصله بدهد و ختم کند.

**وزیر عدلیه** - اینجا لازم است توضیحاً عرض کنم همانطور که در خود ماده هم توضیح داده شده و در بین الهالاین نوشته شده مقصود اقرار در ماهیت دعوی است بنحویکه قاطع دعوی باشد یعنی اقراریکه دیگر بعد از آن موضوعی برای محاکمه و اختلاف در ماهیت دعوی باقی نماند بر خلاف اینکه مثلاً تسلیم شود بصدور سند چون ممکن است تسلیم بصدور سند شود و تصدیق کند ولی هزار حرف دیگر هم داشته باشد ممکن است اقرار در مقابل دعوی دیگری باشد یا اشکال در مدلول سند میکند و باز جای حرف است ولی مقصود از این اقرار این است که کاملاً بدعوی مدعی اقرار کند و اما اینکه آقای دیبا فرمودند این اقرار وکالت بردار نیست عرض میکنم وکالت بردار است اگرچه مطلب تا حدی نظری است ولی عرض میکنم این اقرار وکالت بردار است زیرا اقرار عبارت است از اخبار شخصی بحق غیر اینطور در قانون مدنی آقایان نظرشان هست که تصریح شده این را ممکن است کسی بالمباشرت بکند و ممکن است بیک کسی وکالت بدهد که صدور سندی را تصدیق کند و بگوید که تو برو از طرف من بگو و تصدیق کن. اما يك شبهه هم هست در اینجا و آن اینست که ممکن است گفته شود اگر کسی میخواهد اقرار کند دیگر چرا محاکمه کند خوب از اول نباید برای محاکمه وکیل هم معین بکند و تولید زحمت بکند حرف هم نزند ولی اینطور نیست ممکن است کسی تصور کند که اگر محاکمه را بخواهد ادامه دهد وضعیتی که ضمن جریان مشاهده شده است اسباب زحمت و ضرر اوست و با اینکه اطمینان ندارد که در محاکمه که میشود اقرارش مطابق حق و واقع باشد اقرار میکند و چون اقرار حجیت دارد و دعوی را از بین میبرد لذا وکیل

خودش میگوید اگر دیدی که برای من يك محصه و زحمت تولید میکند مرا خلاص کن و يك اقرار بکن و مرا آزاد کن چون گاهی ممکن است اتفاق بیفتد که بعضی محاکمات يك لواحق و لوازمی پیدا بکنند که از اصل موضوع مهمتر باشد پس بنا بر وفق مصالحت موکل گاهی مقتضی میشود که وکیل يك همچو اقراری بکند در اینصورت اختیار میدهد بویکیش یعنی میگوید اگر صلاح مرا اینطور دیدی محاکمه را تعقیب کن تا آخر و اگر صلاح را اینطور دانستی اقرار کن و مرا خلاص کن این ضرری ندارد خوب هم هست که باشد.

رئیس - آقای جمشیدی

**جمشیدی** - گفتگو و مذاکره در اینکه دعوی مشمول مرور زمان هست یا نیست. اگر وکیل در این مورد اقرار کرد اقرار بماهیت دعوی نکرده است ولی قاطع دعوی خواهد بود این چه حالی خواهد داشت؟

**وزیر عدلیه** - البته این هم اقرار است دیگر تنها مقصود ما در این جا اقرار در ماهیت دعوی بود مثل اینکه اگر تسلیم بصدور سند بشود و آن را تصدیق کند دیگر اشکالی نسبت باین سند نیست و ممکن است قاطع دعوی باشد.

رئیس - ماده ۵۹:

ماده ۵۹ - وکیل در محاکمه حق جلب شخص ثالث و دفاع از دعوی ثالث و دعوی متقابل و دفاع از دعوی مزبور و نظائر آنرا خواهد داشت مگر اینکه در وکالت نامه حق مزبور از او سلب شده باشد.

رئیس - آقای عراقی

**عراقی** - بنده خیال میکنم با این ماده ۵۸ که گذشت دیگر ماده ۵۹ زائد است برای اینکه در ماده ۵۸ میگوید وکالت در محاکم شامل تمام این اختیارات راجعاً بامر محاکمه است جز آنچه را که موکل استثناء کرده باشد. آنوقت اینجا میگوید وکیل در محاکمه حق جلب شخص ثالث و دفاع از دعوی ثالث و دعوی متقابل

و دفاع از دعوی مزبور و نظائر آنرا خواهد داشت مگر اینکه در وکالت نامه حق مزبور از او سلب شده باشد این عیناً همان ماده است زیرا آنجای نویسیم تمام اختیارات را دارد مگر اینکه سلب کرده و از او گرفته باشند آنوقت در اینجا باز تکرار شده است و بعقیده بنده با بودن ماده قبل اینماده ۵۹ دیگر زائد است.

رئیس - آقای احتشام زاده

**احتشام زاده** - بنده مخالف هستم و عرضی دارم

رئیس - آقای وزیر عدلیه فرمایشی دارید؟

**مخبر** - عرض کنم این ماده ۵۹ از هر جهت يك

استثنائی است علاوه بر آنچه که در ماده قبل ذکر شده است و این از نظر اهمیت موضوع است زیرا دعوی جلب شخص ثالث در حقیقت بمنزله طرح دعوی جدید است دعوی مقابل کردن در حقیقت اقامه دعوی جدید است و جواب دعوی تازه را دادن خودش يك اختیار جدیدی می خواهد و اینها یکی نیست و موکل میتواند بگوید که من در يك دعوی بتو وکالت دادم نه در هر دعوائی که بر این دعوی طاری شود دفاع کنی و اگر خسارتی از دعوی فرعی تولید شد در صورت دادن اختیار چون عمل وکیل متوجه موکل بوده است باید آن خسارات را هم بدهد و از طرفی هم در محاکم دیده شده است که يك شخص ثالثی میآید در محاکمه و وارد میشود وکیل جواب نمیداد و می گفت وکالت در جواب شخص ثالث ندارم یا سنخ دعوی اقتضا داشت که وقتی اقامه دعوی در محاکمه میشود وکیل لازم است جلب ثالث بکند تا بتواند حق موکل را حفظ کند و این لازم بود و جزو ضروریات بود و نکرد و اگر ایراد میکردند از نظر اداری که چرا محاکمه را با حق جواب میداد که من وکالت در جلب ثالث که نداشتم در آنچه که داشتم ایسای وظیفه کردم در حقیقت اینجا بیش بینی از نظر جواب های غیر وجهی که وکیل برای مسامحه خودش میداد شده و همچنین برای جلوگیری از تأخیر و بطول عمل که تا میآمد و وکالت میداد و میرفت در ولایات و چنین و چنان ابلاغ شود این مدت



زمانی ممکن بود طول بکشد و همین موجب بطور جریان محاکمه میشود باین جهت اینجا يك كمكى میکند این ماده به تسریع محاکمات و خیلی هم لازم است معذک چون شور اول است ممکن است پیشنهاد بفرمائید و در کمیسیون مذاکره شود.

رئیس - آقای دیبا

**طباطبائی دیبا** - بنده هم عقیده ام این است که این ماده با وجود ماده قبل زائد است و پیشنهادی هم تقدیم کرده ام

رئیس - آقای عراقی

**عراقی** - دعوی اگر دعوائی است که منشعب از این دعوی شده که فعلاً مطرح است همان است و اگر يك دعوائی است غیر مرتبط با این دعوی و بعنوان دیگر آمده است و کالتنامه دیگر میخواهد مدعی يك قبای دیگری می پوشد مدعی علیه هم قبای دیگری می پوشد ولی مامیکوئیم در این دعوائی که الآن هست وکیل در محاکمه حق دارد جلب ثالث بکند و دعوی ناشی از این دعوی است نه يك دعوی اجنبی - اجنبی اگر باشد البته وکالت دیگر میخواهد این ماده را از این جهت بنده کفتم زیادی است و اگر بطور در محاکمه پیدا میشود بواسطه این دعوی باید جلو آنرا بست ولی این ماده با بودن ماده قبل از نظر قواعد ماده بندی خیال میکنم زیاد است

رئیس - آقای جمشیدی

**جمشیدی** - در دعوی جلب شخص ثالث و دفاع از او عملاً این طور است که تقدیم عرضحال مستقل می شود و چون تقدیم عرضحال مستقل میشود الآن هم عملاً این طور است که وکالت جدید موکل می دهد بنا بر این بعقیده بنده اگر این ماده همین طور تصویب شود بهتر است

رئیس - ماده شصتم قرائت میشود:

ماده ۶۹ - وکیل در محاکمه حق تقاضای صدور ورقه اجرائیه و تعقیب عملیات اجرائیه و اخذ محکوم به

را در صورتی خواهد داشت که در وکالت تصریح شده باشد.

رئیس - ماده شصت و یکم:

ماده ۶۱ - اگر موکل وکیل خود را معزول کند باید هم وکیل و هم بمحکمه اطلاع دهد عزل وکیل مانع از جریان محاکمه نخواهد بود اظهار شفاهی در عزل وکیل باید در صورت جلسه قید و بامضاء موکل برسد.

رئیس - ماده شصت و دوم

ماده ۶۲ - مادام که عزل وکیل با اطلاع او نرسیده است اقدامات او در حدود وکالت و همچنین ابلاغیه که از طرف محکمه بوسیله می شود مؤثر در حق موکل خواهد بود ولی همینکه اطلاع عزل وکیل بمحکمه رسید محکمه دیگر آنرا در امور راجعه بمحاکمه وکیل نخواهد شناخت.

رئیس - ماده شصت و سوم:

ماده ۶۳ - در صورتی که وکیل استعفاء خود را کتباً بمحکمه اطلاع دهد محکمه بموکل اخطار میکند که شخصاً بابتوسط وکیل جدید محاکمه را تعقیب نماید.

رئیس - آقای دیبا

**طباطبائی دیبا** - بنده عقیده ام اینست که ظاهر ماده اینطور میرساند که وکیل باید استعفاء را کتباً بمحکمه تقدیم کند در صورتیکه ممکن است شفاهاً هم اظهار کند استعفاء را در صورت جلسه هم ذکر کند و این را منحصر کردن به کتباً ممکن است در بعضی موارد اسباب زحمت شود

**مخبر** - وقتی که در جلسه محاکمه هم اشعار بقول خود کنند یا استعفاء کند در صورت مجلس ذکر میشود و ذیلش را امضاء می کنند و این قوت کتب را دارد چون امضاء میکند.

رئیس - ماده شصت و چهارم قرائت میشود:

ماده ۶۴ - وکیل که در وکالتنامه حق محاکمه در محکمه بالاتر هم بار داده شده و مجاز برای محاکمه در

محکمه بالاتر باشد و باحق تعیین وکیل مجاز برای محاکمه در محکمه بالاتر داشته باشد هرگاه پس از صدور رأی و با در موقع ابلاغ استعفاء کند و از رؤیت امتناع نماید مؤثر در امر ابلاغ نیست و ابتداء مدت استیناف یا تمیز از روز ابلاغ بوکیل معتبر است و هرگاه از این حیث خسارتی بموکل وارد شود وکیل مسئول خواهد بود در مورد این ماده عرضحال استینافی و با تمیزی وکیل مستعفی قبول میشود و مدبر دفتر محکمه مکلف است بموکل کتباً اخطار نماید که وکیل خود را معین و معرفی کند و اگر عرضحال ناقص باشد نقص آنرا رفع نماید.

رئیس - ماده شصت و پنجم

ماده ۶۵ - ابلاغ حکم بوکلی که حق محاکمه در محکمه بالاتر ندارد و یا مجاز برای وکالت در مرحله بالاتر نباشد و وکالت در تعیین وکیل مجاز هم نداشته باشد معتبر نخواهد بود.

رئیس - ماده شصت و ششم

ماده ۶۶ - در صورت فوت و یا در صورتیکه وکیل به جهتی ممنوع الوکاله شود رسیدگی بدعوی توقیف میشود تا وقتیکه موکل وکیل جدید معین کند با طرف مقابل احضار او را از محکمه بخواهد و هرگاه بعد از احضار طرف غایب در موعد مقرر حاضر نشود و وکیل جدیدی معین نکند محکمه بخواهش طرف رسیدگی را مداومت می دهد اگر وکیل بعد از ابلاغ حکم و قبل از انقضاء مدت استیناف یا تمیز فوت کند و یا بجهتی ممنوع از وکالت شود ابتدای مدت اعتراض یا استیناف و تمیز از تاریخ ابلاغ بموکل محسوب خواهد شد.

رئیس - ماده شصت و هفتم:

باب پنجم

در ترتیب محاکمه

فصل اول

در عرضحال

ماده ۶۷ - شروع رسیدگی در محاکمه عدلیه محتاج

بتقدیم عرضحال رسمی است.

رئیس - ماده شصت و هشتم

ماده ۶۸ - عرضحال باید بزبان فارسی و در روی اوراق چاپی مخصوصی نوشته شود مگر در نقاطی که اوراق مزبور در دسترس عموم نباشد.

در محاکم صلح ناحیه و همچنین نسبت بدعاوی که داخل در صلاحیت محاکم مزبوره است و بواسطه نبودن صلح ناحیه محکمه صلح محدود یا محاکم بدایت رسیدگی مینماید ممکن است عرضحال شفاهی باشد.

رئیس - ماده شصت و نهم

ماده ۶۹ - در عرضحال باید تکلم بیل قید شود.

۱ - اسم و اقامتگاه و سایر مشخصات مدعی و وکیل او در صورتیکه عرضحال را وکیل داده باشد.

۲ - اسم و اقامتگاه و سایر مشخصات مدعی علیه

۳ - تعیین مدعی به و قیمت آن مگر تعیین قیمت ممکن نبوده و یا مدعی به مالی نباشد.

۴ - تعهدات یا جهات دیگری که بموجب آن مدعی خود را مستحق مطالبه میدانند بطوریکه مقصود واضح و روشن باشد.

۵ - آنچه را که مدعی از محکمه تقاضا دارد

۶ - ذکر تمام ادله و وسائلی که مدعی برای اثبات ادعای خود دارد از اسناد و نوشتهجات و اطلاع مطلعین و غیره

ادله مثبتة باید بترتیب و واضح نوشته شود و اگر دلیل شهادت شهود است مدعی باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آنان را بطور صریح معین کند.

رئیس - ماده هفتاد

ضمائم عرضحال

ماده ۷۰ - مدعی باید سواد اسنادی را که بآنها استناد کرده مصدق نموده ضمیمه عرضحال کند مقصود از سواد مصدق سوادى است که دفتر محکمه ای که عرضحال بآنها داده میشود یا دفتر یکی از محاکم دیگر عدلیه یا یکی از ادارات ثبت اسناد یا دفتر اسناد رسمی و در جایی که

هیچیک از آنها نباشد حاکم محل یا یکی از ادارات دولتی مطابقت آنها با اصل تصدیق کرده باشد.

در صورتیکه سواد سند در خارجه تهیه شده باشد باید در دفتر یکی از سفارتخانهها یا قنصلگریهای ایران مقصد شود.

هرگاه اسناد مفصل باشد مثل دفتر تجارته یا اساسنامه شرکت و امثال آن قسمت هائیکه مدرک ادعا است خارج نویس نشده ضمیمه عرضحال میگردد.

**رئیس - ماده هفتاد و یک**  
**ماده ۷۱ -** در صورتیکه اسناد بزبان فارسی نباشد باید علاوه بر سواد سند ترجمه آن نیز ضمیمه عرضحال شده صاحب سند ترجمه آنرا تصدیق کند.

**رئیس - آقای طهرانچی**  
**طهرانچی -** اینجا مینویسد صاحب سند صحت ترجمه را تصدیق کرده باشد اما اگر تکرده باشد چطور میشود اگر يك سندی مثلاً بزبان فرانسه نوشته شد و بنده محتاج به عرضحال دادن شدم برای مدعی علیه خودم و موقعی که این سند را تنظیم کردم هیچ فکر نمیکردم که با طرف دعوی میکنم و با يك حسن نیتی این قرارداد را رد و بدل کردیم و نمیدانستیم که این ترجمه میشود یا جائی باید تنظیم شود ممکن است يك سندی را در خارجه بین دو نفر تنظیم شود که آنجا محتاج نیست به ترجمه بعد يك کشمکشهایی ممکن است تولید شود اگر ترجمه این را صاحب سند تصدیق نکرده باشد چه میشود.

**وزیر عدلیه -** مقصود دارنده سند است و دهنده عرضحال چون باید مدعی تمام جهات پیشرفت دعوی خودش را به پیشگاه محکمه بدهد یکی از آنها هم سند است که اگر بزبان خارجی باشد لازم نیست که به آن زبان و آن خط آشنا باشد یا طرف مقابلش مدعی علیه نتواند سند را بخواند پس باید این سند مترجم باشد مصدق باشد خودش هم تصدیق کند در ذیل او که این ترجمه صحیح است و ذیلش تصدیق کند که این سند با اینصورت ترجمه

از من است یعنی این است سند من.

**رئیس - ماده ۷۲**  
**ماده ۷۲ -** اگر عرضحال توسط وکیل داده شده باید وکالت نامه وکیل و در صورتیکه عرضحال را قیم داده باشد سواد مصدق قیم نامه و بطور کلی سواد سندی که مثبت سمت عرضحال دهنده است نیز باید ضمیمه عرضحال شود.

**رئیس - ماده ۷۳**  
**ماده ۷۳ -** عرضحال و کلیه اوراق ضمیمه آن باید در دو نسخه و در صورت تعدد مدعی علیهم به علاوه يك نسخه باشد.

**رئیس - ماده ۷۴**  
**ماده ۷۴ -** تاریخ تقدیم عرضحال باید بتقویم شمسی و با تمام حروف در آن قید شود عرضحال دهنده ذیل آن را امضا کند و در صورت عجز از امضاء مهر یا اثر انگشت خود را بگذارد و دیگری مهر یا اثر انگشت او را تصدیق کند.

**رئیس - ماده ۷۵**  
**ماده ۷۵ -** دعاوی متعدده را که منشأ و مبنای آن مختلف است نمیتوان بموجب يك عرضحال اقامه نمود مگر آنکه دعاوی مزبور طوری مربوط باشد که محکمه بتواند به تمام آن ها در ضمن يك محاکمه رسیدگی کند.

**رئیس - ماده ۷۶**  
**ماده ۷۶ -** عرضحال بدفتر محکمه صلاحیت دار داده میشود و در نقاطی که محکمه دارای اطافهای متعدد است بدفتر اطاق اول.

**رئیس - آقای کاشف**  
**کاشف -** بنده تصور میکنم منظور از اطاق در اینجا شعبه است والا ممکن است محکمه اطافهای متعدد داشته باشد ولی يك محکمه است چون مقصود شعبه است اینجا همان شعبه نوشته شود بهتر است مثل محاکم بدایت طهران که چندین شعبه است ولی محکمه مدان است يك شعبه باشد ولی چندین

اطاق داشته باشد و البته در هر اطاق يك دفتر خاصی نخواهد بود لذا بعقیده بنده شعبه نوشته شود بهتر است.

**وزیر عدلیه -** فرقی ندارد در بعضی قوانین تعبیر باطاق میکنند بعضی جاها تعبیر بشعبه. اطاق بهتر است یعنی چیز مستقلى نیست در واقع عنوان محکمه بدایت است ولی اطافها مختلفند اشکالی هم ندارد که شعبه نوشته شود ولی تعبیر باطاق بهتر است.

**رئیس - ماده ۷۷**  
**ماده ۷۷ -** مدیر دفتر محکمه بلافاصله پس از وصول عرضحال باید آنرا ثبت کرده رسیدی مشتمل بر اسم مدعی و مدعی علیه و تاریخ تسلیم روز و ماه و سال با ذکر نمره ثبت بتقدیم کننده عرضحال بدهد و در روی کلیه اوراق عرضحال تاریخ تسلیم را قید کند تاریخ وصول عرضحال بدفتر تاریخ اقامه دعوی محسوب میشود.

**رئیس - ماده ۷۸**  
**ماده ۷۸ -** هرگاه محکمه دارای يك یا چند شعبه باشد مدیر دفتر باید فوراً عرضحال را بنظر رئیس اول برساند تا رئیس مزبور آنرا بشعبه ای که باید رسیدگی کند ارجاع نماید.

**رئیس - ماده ۷۹**  
**ماده ۷۹ -** در موارد ذیل در طرف دو روز از تاریخ وصول عرضحال مدیر دفتر آنرا بنظر حاکم محکمه رسانده و بموجب قرار محکمه که منتهی در طرف دو روز باید صادر شود عرضحال رد خواهد شد.

۱ - وقتی که در عرضحال معین نشده باشد مدعی کیست.  
۲ - وقتی که محل اقامت مدعی بهیچوجه معلوم نباشد.

در موارد فوق محکمه قرار رد عرضحال را داده سواد این قرار را که باید حاوی علت رد باشد مدیر دفتر محکمه بدو بار الصاق میکند و در مدت ده روز سواد مزبور باید بدو بار محکمه باقی باشد.

**رئیس - ماده ۸۰**

موارد توقیف عرضحال

**ماده ۸۰ -** در موارد ذیل عرضحال قبول ولی برای اینکه بجز بان افتد باید تکمیل شود.

۱ - در صورتیکه به عرضحال و ضمايم آن مطابق قانون تمبر الصاق نشده و یا در نقاطی که تمبر موجود نیست مخارج مزبور تأدیه نشده باشد.

۲ - وقتی که فقرات ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ ماده ۶۹ و مقررات مواد ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ رعایت نشده باشد.

**رئیس - آقای وثوق**

**وثوق -** بنده در این ماده راجع به این مدت برای رفع نواقص عرضحال مخالفم زیرا این باعث طول جریان محاکمه میشود و باعث این میشود که باصطلاح آن کسی که يك دعوائی را در ابتدائی محکوم شده است بیاید در استقیناف يك عرضحال بی سر و پائی بیاورد بعد تا از طرف محکمه باو ابلاغ بکنند بیاید عرضحال را تکمیل کن چند روز طول میکشد با اگر در طهران نباشد نارعايت مسافت بیست روز طول میکشد تا عرضحال او قبول شود و بعد برای رفع نواقص هم مدتی طول میکشد اینها در واقع جریانی است برای بطوء کار و اگر در واقع کسیکه بخواند عرضحال بدهد با تمام مقدمات لازم و مدارك کامل بدهد دیگر این ماده موردی ندارد غیر از اینکه اسباب معطلی بشود و بنده عقیده ام این است که تقدیم عرضحال و جریان محاکم هر چه سریع شود بهتر است.

**وزیر عدلیه -** آقای نماینده خوب بود در نظر می گرفتند که اگر این کار را تکمیل آنوقت چه بکنیم. طریق دیگرش این است که بگوئیم چون عرضحال ناقص است رد کنیم آنوقت تازه مثل اول بود که عرضحال بداده است چه فرقی میکند؟ عرضحالی داده مخارج محاکمه را داده بعضی نواقصی دارد مثلاً محل اقامت مدعی علیه را

تعیین نکرده بمدعی میگوید بیا محل اقامت مدعی علیه را معین کن یا مشخصات مدعی علیه معین نیست نمی شناسند کیست باو اخطار میکنند بیا نواقص را معین کن . دیگر اینکه آقا باید ملتفت باشید که این مال مرحله ابتدائی است صحبت استیناف نیست تفویض حقی از کسی نمیشود هر قدر هم معطل میشود خودش معطل میشود نمیشود گفت يك عرضحالی که داده مخارج هم داده مدارك را هم جمع کرده است برای این نقص جزئی رد کنیم؟ بر خلاف دو مورد سابق آنجائی که مدعی خودش را معرفی نکرده است در عرضحال آنجا چاره نیست باید رد کرد نمیشناسیم مدعی کیست . دیگر اینکه محل اقامت خودش را در واقع معرفی نکرده که اخطارات اگر لازم باشد در کجا باو بشود از این جهت آن دو مورد مورد رد قرار داده شده است و این دو مورد تکمیل هیچ فرقی ندارد باو اخطار میکنند بیا تکمیل کن اگر کرد اگر نکرد آنوقت رد میکنند.

رئیس - ماده ۸۱

ماده ۸۱ - در موارد فوق مدیر دفتر محکمه در ظرف دو روز نواقص عرضحال را بطور تفصیل بمدعی کتباً اطلاع داده و از روز ابلاغ پنجروز با رعایت مسافت باو مهلت میدهد که نواقص را رفع کند و در صورتیکه در موعد رفع ننمود محکمه قرار رد عرضحال را میدهد این قرار بمدعی ابلاغ شده مشار الیه میتواند در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ از آن استیناف بخواهد.

رئیس - ماده ۸۲

فصل درم

در تقویم مدعی به

ماده ۸۲ - قیمت مدعی به از نقطه نظر صلاحیت و مخارج محاکمه مبلغی است که در عرضحال قید شود

رئیس - ماده ۸۳

ماده ۸۳ - تقویم مدعی به بطریق ذیل بعمل میآید  
۱ - اگر مدعی به وجه باشد قیمت آن عبارت است از مبلغ معین در عرضحال

۲ - در دعوی چند نفر مدعی که هر يك يك قسمت از کل را مطالبه مینماید قیمت مدعی به مساوی است با حاصل جمع تمام قسمت هائیکه مطالبه میشود.

۳ - در دعوی راجعه بمنافع و حقوقی که باید بمواعد معینه استیفا و یا پرداخته شود قیمت مدعی به حاصل جمع تمام اقساط و منافعی است که مدعی خود را ذیحق در مطالبه آن میدانند.

در صورتی که حق مزبور محدود بزمان معین نبوده یا مادام العمر باشد قیمت مدعی به مساوی است با حاصل جمع منافع ده ساله یا آنچه را که در ظرف ده سال باید استیفاء کند.

۴ - در دعوی راجعه باموال غیر وجه و حقوق مالی قیمت مدعی به مبلغی است که مدعی در عرضحال معین کرده و مدعی علیه در اولین لایحه خود در محاکمات عادی و یا اولین جلسه در محاکمات اختصاری آن را تکذیب نکرده است.

در مواردی که تعیین قیمت مدعیه یا قیمت آن در ابتداء دعوی ممکن نیست قیمت مدعی به بیش از پنج هزار ریال محسوب است مگر آنکه اجمالا کمتر بودن قیمت معلوم باشد.

رئیس - ماده ۸۴

ماده ۸۴ - در مواردی که مابین متداعیین در تعیین قیمت اموال یا حقوق مالی که موضوع ادعاء است منازعه و اختلافی حاصل شود حد وسط قیمت هائی که متداعیین معین کرده اند مدعی به محسوب میشود یعنی قیمتی را که مدعی و مدعی علیه اظهار کرده اند جمع نموده حاصل جمع را تنصیف می کنند و هر گاه مورد اختلاف مابین متداعیین زیاد باشد یا محکمه مطلع شود که قیمت واقعی با قیمت اظهار شده تفاوت فاحش دارد بتحقیقات محلی و استعلام عقیده اهل خبره قیمت واقعی معین میشود.

رئیس - ماده ۸۵

فصل سوم

در جریان عرضحال تا جاسه محاکمه

### مبحث اول در ابلاغ عرضحال

ماده ۸۵ - مدیر دفتر محکمه باید در ظرف دو روز از تاریخ وصول عرضحال و در صورتیکه عرضحال ناقص باشد از تاریخ رفع نواقص يك نسخه از آنرا با منضمات در دوسبه مخصوص که برای دعوی ترتیب میدهد ضبط و نسخه دیگر را با ضمائم برای ابلاغ مدعی علیه بمأمور ابلاغ تسلیم کند که در کلیه نسخ عرضحال شعبه که به دعوی رسیدگی خواهد کرد و اسم مأمور ابلاغ و تاریخ تسلیم عرضحال را بمأمور قید نماید.

رئیس - ماده ۸۶

ماده ۸۶ - ابلاغ عرضحال و منضمات باید بتوسط مأمور ابلاغ بعمل آید و مأمور مزبور مکلف است آنرا در ظرف دوروز بشخص مدعی علیه ابلاغ کند و در صورت امتناع مدعی علیه از گرفتن اوراق امتناع او را بتصدیق دو نفر شاهد از اهل محل در ورقه ابلاغ نامه قید و بدفتر محکمه عودت دهد.

رئیس - ماده هشتاد و هفت

ماده ۸۷ - هر گاه مأمور نتواند عرضحال را بشخص مدعی علیه برساند باید در محل اقامت او یکی از اهل خانه یا کسان مشار الیه که در محل متصدی امور او هستند و یا یکی از همسایگان در صورتی که همسایه تعهد کند آنرا بمدعی علیه برساند ابلاغ کند.

رئیس - ماده هشتاد و هشت

ماده ۸۸ - اگر اهل خانه یا کسان مدعی علیه نتواند بواسطه بی سوادی یا بجهت دیگری رسید بدهند مأمور ابلاغ عرضحال و ضمائم آنرا با حضور دو نفر شاهد از اهل محل بانها تسلیم کرده مراتب را در ورقه ابلاغ نامه قید و بامضای شهود میرساند و در صورتی که اشخاص مذکور از گرفتن اوراق استنکاف کنند امتناع آنان را بتصدیق شهود رسانیدم اعلامیه خطاب بمدعی علیه متضمن مراتب مذکوره و دعوت مشار الیه در مراجعه بدفتر محکمه که

بدعوی رسیدگی خواهد نمود ترتیب داده بدرب اقامتگاه او الصاق میکنند.

رئیس - ماده هشتاد و نه

ماده ۸۹ - هر گاه هیچیک از اشخاص مذکور در فوق در محل نبوده و از همسایه ها نیز کسی تعهد رسانیدن اوراق را بمدعی علیه نکند مأمور ابلاغ عرضحال و منضمات آنرا بکلانتری محل و در نقاطی که مأمور شهربانی نیست بحکومت یا امنیه یا کدخدا تسلیم کرده رسید می گیرد مأمورین مذکور مکلف هستند عرضحال و منضمات را بمدعی علیه برسانند و الا مسئول خسارتنی خواهند بود که ممکن است از صدور حکم غایبی بمدعی علیه وارد آید

رئیس - ماده نود

ماده ۹۰ - مأمور ابلاغ باید مراتب ذیل را در ورقه ابلاغنامه تصریح کند

۱ - محل و تاریخ ابلاغ با تعیین روز و ماه و سال با تمام حروف .

۲ - اسم کسی که عرضحال باو ابلاغ شده با تعیین اینکه چه سمت نسبت بمدعی علیه دارد .

۳ - اسم و معرفی شهود در مورد مواد ۸۶-۸۸-۸۹

رئیس - ماده نود و يك

ماده ۹۱ - هر گاه معلوم شود محل اقامتی را که مدعی در عرضحال معین کرده است محل اقامت مدعی علیه نبوده یا در حین ابلاغ تغییر کرده است و مأمور هم نتوانسته است محل اقامت او را پیدا کند باید این نکته را در ذیل ابلاغ نامه قید و در ظرف دو روز اوراق را بدفتر محکمه عودت دهد در این صورت مطابق ماده ۸۱ رفتار خواهد شد.

رئیس - ماده نود و دو

ماده ۹۲ - در صورتی که مدعی محل اقامت مدعی علیه را غیر از اقامتگاه حقیقی او معین کرده باشد مدعی علیه میتواند اقامت گاه حقیقی خود را بمحکمه معرفی کند در اینصورت اوراق بمحلی که مدعی علیه معین کرده است ابلاغ خواهد شد.



رئیس - ماده ۹۳

ماده ۹۳ - در صورتی که مدعی نتواند اقامتگاه مدعی علیه را معین کند و محل اقامت او هم معلوم نباشد مفاد عرضحال و منضمات بتقاضای مدعی و بدستور محکمه سه دفعه متوالی در روزنامه رسمی و یکی دیگر از جرائد کثیر الانشاری که وزارت عدلیه در طهران و ولایات برای اعلانات رسمی معین میکند اعلان خواهد شد.

مدعی میتواند اعلان در جرائد دیگر را هم تقاضا کند ولی در صورتی که ذیحقی شود مخارج این اعلانات را نمیتواند جزء خسارت از مدعی علیه مطالبه کند. مدعی علیه که اقامتگاه او معین نشده و بوسیله مطبوعات باو اعلام میشود میتواند اقامتگاه خود را بمحکمه معرفی کند و در این صورت اوراق دعوی و منضمات آن به اقامتگاهی که معین کرده است ابلاغ خواهد شد. مدعی نیز میتواند در صورتیکه بعد از اعلان در مطبوعات از اقامتگاه مدعی علیه مطلع شود تقاضای ابلاغ عرضحال را با اقامتگاه او بنماید.

رئیس - ماده نود و چهارم

ماده ۹۴ - اگر مدعی علیه یکی از ادارات رسمی (اعم از دولتی - بلدی یا کشوری) یا مؤسسات عام المنفعه باشد عرضحال و منضمات آن بر رئیس یا قائم مقام رئیس آن اداره ابلاغ میشود.

رئیس - ماده ۹۵

ماده ۹۵ - در دعوی راجعه بشرکتهای عرضحال و منضمات آن بمدير شرکت یا اشخاص دیگری که از طرف شرکت حق امضاء دارند تسلیم میشود و در دعوی مربوطه بورشکسته يك نسخه بتوسط عضو اظر بمدير تصفیه و يك نسخه بشخص ورشکسته ابلاغ میشود.

رئیس - ماده ۹۶

ماده ۹۶ - اگر مدعی علیه در حوزه محکمه دیگری اقامت دارد عرضحال توسط دفتر آن محکمه بوسیله مأمور ابلاغ

ابلاغ میشود و در جائی که محکمه نیست توسط اداره شهربانی یا امنیه یا حکومت محل و هرگاه مدعی علیه در خارجه باشد از طریق وزارت امور خارجه ابلاغ خواهد شد و در صورتیکه در توقیفگاه یا در زندان باشد عرضحال ومدارك در محل مزبور باو ابلاغ میشود.

رئیس - ماده ۹۷

ماده ۹۷ - در صورتیکه بین مأمور ابلاغ و مدعی علیه دعوی حقوقی و یا جزائی در محکمه مطرح باشد و یا آنکه دعوی جزائی سابقاً مطرح بوده و در جنبه بیش از دو سال و در جنائی بیش از پنجسال از تاریخ ختم آن نگذشته باشد مأمور ابلاغ نمیتواند متصدی امر ابلاغ شود.

رئیس - ماده ۹۸

ماده ۹۸ - هر يك از مدعی علیه یا وکلاء آنها میتوانند محلی را برای ابلاغ اوراق دعوی در شهری که مقر محکمه است انتخاب نموده آن را بدفتر محکمه اعلام کنند - در این صورت کلیه اوراق راجعه بدعوی بمحل مزبور ابلاغ خواهد شد.

رئیس - ۹۹

ماده ۹۹ - هرگاه یکی از طرفین دعوی محل اقامتی را که اوراق اولیه در آن محل ابلاغ شده و یا محلی را که برای ابلاغ اوراق انتخاب کرده اند تغییر دهند باید فوراً مراتب را بدفتر محکمه اعلام کنند و مادام که اطلاع نداده اند اوراق بهمان محل سابق ارسال میشود و در صورتیکه کسی در محل نباشد یا اشخاصیکه هستند نخواهند رسید بدهند مأمور ابلاغ این نکته را باتصدیق دو نفر از اهل محل در ابلاغ نامه تصریح و بدفتر محکمه عودت میدهد در اینصورت اوراق مزبور ابلاغ شده محسوب است و در دفتر محکمه باقی میماند و کسی که ابلاغ باو میبایستی بشود نمیتواند بعدم اطلاع از آن معتذر گردد.

رئیس - ماده ۱۰۰

ماده ۱۰۰ - در صورتیکه عرضحال و منضمات آن مطابق مواد ۸۶ الی ۹۹ ابلاغ نشود بحکم محکمه ابلاغ از درجه

اعتبار ساقط میگردد مگر آنکه مدعی علیه جواب کتبی خود را داده در ضمن جواب تقاضای ابطال آنرا نکرده باشد که در این صورت بمدها حق اعتراض بطریق ابلاغ نخواهد داشت.

رئیس - ماده ۱۰۱

ماده ۱۰۱ - هیچکس از متداعین و وکلاء عدلیه نمیتوانند مسافرتهای موقتی خود را تغییر محل حساب کرده ابلاغ اوراق دعوی مربوط بخود را در محل مزبور تقاضا کنند و اعلام مربوطه بتغییر محل اقامت وقتی پذیرفته میشود که محل اقامت مطابق ماده ۱۰۰۴ قانون مدنی حقیقه تغییر یافته باشد.

رئیس - ماده ۱۰۲

مبحث دوم

در جواب مدعی علیه

ماده ۱۰۲ - مدعی علیه باید در ظرف ده روز پس از وصول عرضحال بادعای مدعی جواب داده سواد مصدق کلیه اسناد و دلائل خود را ضمیمه نماید و در ضمن جواب کتبی دعوی جعل سند و معاينه و تقاضای تحقیق محلی و استعلام از اهل خبره و هر نوع دفاعی را که نسبت به دعوی مدعی مؤثر میداند اظهار کند و رعایت مفاد قسمت ۶ از ماده ۶۹ و مواد ۷۰ الی ۷۴ اصول محاکمات را در جواب خود بنماید جواب مدعی علیه و منضمات آن باید در دو نسخه و در صورت تعدد مدعی بعده مدعیان بعلاوه يك نسخه باشد.

رئیس - ماده صد و سه

ماده ۱۰۳ - بعد از وصول جواب مدعی علیه مدیر دفتر باید يك نسخه از جواب را با ضمائم آن ضبط و نسخه دیگر را با منضمات در ظرف دو روز بوسیله مأمور ابلاغ بمدعی ابلاغ کند برای این ابلاغ مقررات ابلاغ بمدعی علیه نیز از هر جهت باید منظور شود.

رئیس - ماده صد و چهارم

ماده ۱۰۴ - مدعی باید هر جوابی که دارد مطابق

ماده ۱۰۲ نوشته و اگر اسناد یا شهود جدیدی برای جواب از مدافعات مدعی علیه استناد کرده است سواد آن اسناد و اسامی شهود را ضمیمه هر نسخه کرده در ظرف ده روز بدفتر محکمه تسلیم کند.

رئیس - ماده صد و پنج

ماده ۱۰۵ - مدیر دفتر باید در ظرف دو روز جواب مدعی را نیز بوسیله مأمور ابلاغ برای ابلاغ بمدعی علیه بفرستد و مشار الیه آخرین جواب خود را باید تا ده روز بدفتر محکمه برساند - جواب آخر را مدیر دفتر برای مدعی فرستاده و در همان موقع بامر محکمه روز وساعت رسیدگی را معین کرده متداعین را احضار می کند قواعد احضار مانند قواعد ابلاغ است.

رئیس - ماده صد و شش

ماده ۱۰۶ - اگر یکی از متداعین جواب کتبی خود را در مواعد مقرر بدفتر محکمه نرساند و یا جواب را بدون رعایت قسمت اخیر ماده ۱۰۲ بدهد مدیر دفتر جلسه محاکمه را معین و بطرفین اطلاع میدهد.

رئیس - ماده صد و هفت

ماده ۱۰۷ - مدعی میتواند مدعی به خود را که در عرضحال تصریح کرده است زیاد کند و یا نحوه دعوی یا مدعی به و یا تقاضای خود را تغییر دهد مشروط بر اینکه منشاء آن همان منشاء دعوی اولی و مربوط بآن باشد تغییر تقاضا یا زیاد کردن مدعی به و تغییر آن در دعوی عادی در لایحه جوابیه مدعی و در دعوی اختصاری در جلسه اول محاکمه بعمل می آید و نیز مدعی میتواند در تمام مراحل محاکمه مدعی به خود را کم کند.

رئیس - رأی گرفته میشود بورد در شور دوم این لایحه آقایانی که موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نموده) تصویب شد

[۷ - قرائت استعفا نامه آقای علی اکبر اسدی]

رئیس - عربضه از طرف آقای علی اکبر اسدی



رسیده است دائر بر استعفای خودشان از نمایندگی که باطلاع آقایان نمایندگان میرسد :  
 مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی  
 بر اثر کسالت و لزوم معالجه استعفای خود را از نمایندگی مجلس شورای ملی تقدیم میدارد .  
 رئیس - لا بد استعفای ایشان مورد قبول واقع خواهد بود ( نمایندگان - صحیح است )

[ ۸ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]  
 رئیس - اگر تصویب می فرمائید جلسه را ختم کنیم .  
 ( صحیح است )  
 جلسه آتیه روز یکشنبه چهار دهم دی ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور لوایح موجوده ( صحیح است )  
 ( مجلس ده دقیقه قبل از ظهر ختم شد )  
 رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

# قانون

اجازه اجرای لوایح پیشنهادی وزارت عدلیه پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه ..  
**ماده واحده** - وزیر عدلیه مجازات لوایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون فعلی قوانین عدلیه بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عنین واقعی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید . لوایح مزبوره در کمیسیون مطرح و پس از شور اول طبع و توزیع خواهد شد تا نمایندگان نظریات خود را در موضوع لایحه در ظرف هشت روز از تاریخ توزیع به کمیسیون بدهند و شور دوم بعد از انقضاء هشت روز بعمل آید .  
 این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه هفتم دیماه یکهزار و سیصد و چهارده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

# قانون

مجازات متخلفین از تصمیمات متخذة در قضیه اختلاف ایتالیا و حبشه  
**ماده واحده** - اشخاصیکه بر خلاف تصویب نامه هیئت وزراء مورخه ۲۶ آبان ۱۳۱۴ نمره ۶۲۱۰ راجع بتصمیمات متخذة از طرف کمیته تطبیق جامعه ملل در قضیه اختلاف بین دولتین ایتالیا و حبشه رفتار نمایند . یکماه الی یکسال حبس تأدیبی و یا هزار ریال الی بیست هزار ریال غرامت و یا بهر دو مجازات محکوم میشوند .  
 این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه هفتم دی ماه یکهزار و سیصد و چهارده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

# قانون

راجع به مؤسسات حمل و نقل  
**ماده ۱** - افتتاح مؤسسات حمل و نقل و کارخانه تعمیر و کاراژ های عمومی موقوف بواجذب و دن شرایطی است که هیئت وزراء بموجب نظامنامه مخصوصی تعیین خواهد نمود .  
**ماده ۲** - هر يك از صاحبان مؤسسات حمل و نقل که پنج نوبت تخلف از مقررات نظامنامه مصوبه هیئت دولت بنماید و بسبب تخلف مزبور پنج نوبت به مجازات خلافی محکوم شود بحکم محکمه از يك الی سه سال از شغل مزبور ممنوع خواهد شد .  
 این قانون که مشتمل بر دو ماده است در جلسه هفتم دی ماه یکهزار و سیصد و چهارده شمسی بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری